

به نام خدا

# کودکان و آموزش اندیشیدن فیلسوفانه

مؤلف :

یوسف خدایی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: خدائى داش تپه، يوسف، ۱۳۷۵-  
عنوان و نام پديدآور: كودكان و آموزش انديشيدن فيلسوفانه/مؤلف يوسف خدائى.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانى چاپ و نشر ايران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهرى: ۸۳ص.

شابك: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۸۶-۶:

وضعيت فهرست نويسى: فييا

يادداشت: كتابنامه: ص. ۷۷-۸۳

Children and philosophy

موضوع: كودكان و فلسفه

كودكان و فلسفه -- راهنماى آموزشى

Children and philosophy -- Study and teaching

رده بندى كنگره: B۱۰۵

رده بندى ديويى: ۱۰۸/۳۵

شماره كتابشناسى ملي: ۹۲۹۲۴۰۴

اطلاعات ركورد كتابشناسى: فييا

نام كتاب: كودكان و آموزش انديشيدن فيلسوفانه  
مؤلف: يوسف خدائى  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانى چاپ و نشر ايران)  
صفحه آرايى، تنظيم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تيراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زير جلد  
قيمت: ۶۷۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الكترونيكى - كتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابك: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۸۶-۶

تلفن مركز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه:.....
۱۳	فلسفه چیست؟.....
۱۳	رابطه فلسفه و تعلیم و تربیت.....
۱۵	تعریف فلسفه تعلیم و تربیت.....
۱۷	آموزش فلسفه برای کودکان.....
۱۷	تعریف آموزش فلسفه برای کودکان.....
۱۸	تاریخچه آموزش فلسفه برای کودکان.....
۱۹	اهمیت پرداختن به آموزش فلسفه برای کودکان.....
۲۱	متیو لیپمن.....
۲۲	ریشه های فکری لیپمن.....
۲۲	سقراط.....
۲۲	پیرس و هربرت مید.....
۲۳	جان دیویی.....
۲۷	ویتگنشتاین و رایل.....
۲۸	ویگوتسکی.....
۲۹	جمع بندی.....

۳۰	.....	معنای فلسفه از نظر لیپمن
۴۰	.....	اهداف آموزش فلسفه برای کودکان از نظر لیپمن
۴۱	.....	پرورش خلاقیت
۴۱	.....	رشد فردی و میان فردی
۴۲	.....	پرورش درک اخلاقی
۴۲	.....	پرورش توانایی مفهوم یابی
۴۳	.....	تفکر انتقادی
۴۹	.....	مبانی فلسفی برنامه فلسفه برای کودکان
۵۰	.....	مبانی هستی شناختی
۵۱	.....	مبانی انسان شناختی
۵۲	.....	مبانی معرفت شناختی
۵۴	.....	مبانی ارزش شناختی
۵۵	.....	تفکر خلاق
۵۶	.....	تفکر جمعی
۵۷	.....	برنامه آموزش فلسفه به کودکان
۵۸	.....	ساختار برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۵۹	.....	هدف برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۶۰	.....	محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان
۶۱	.....	روش برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۶۶	.....	مهارت های مورد نظر برنامه فلسفه برای کودکان

داستان های لیپمن برای آموزش فلسفه به کودکان ..... ۶۷

الفی (استدلال درباره تفکر) ..... ۶۷

پیکسی ..... ۶۷

لیزا ..... ۷۳

کیو و گاس (دلیل آوری درباره طبیعت) ..... ۷۴

راهبرد ها و راهکارهایی برای تحول در آموزش فلسفه برای کودکان ..... ۷۵

فراهم آوردن زمینه های بروز رشد و خلاقیت ..... ۷۵

**منابع:** ..... ۷۷

منابع فارسی ..... ۷۷

منابع لاتین ..... ۸۲



## مقدمه:

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در میان تمامی موجودات برخورداری از نیروی فکر و مسئولیت ناشی از آن است زیرا بر اساس قدرت تفکر و برخورداری از نیروی اراده و تصمیم‌گیری مسئولیت انتخاب و عمل بر عهده انسان گذاشته شده است همچنین بر میزان که بتوان از قدرت فکر استفاده کرد احتمال موفقیت و پیشرفت افزایش می‌یابد از این رو مطالعه و بحث و بررسی درباره تفکر یکی از مباحث بنیادی و تاثیرگذار در روند توسعه واقعی و همه جانبه است علاقه به توسعه توانمندی‌های فکری پدیده‌ای نیست که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته باشد چنین اتفاقی در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد.

قدرت داوری و استدلال در زندگی فردی و جمعی از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است و این امور در تفاهم میان شهروندان و مردم کشورهای مختلف و نشان دادن گفت و شنود به جای نزاع و تنش در درون و بین تمدن‌ها را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت داشتن ذهنی خلاق جستجوگر با توانایی‌های بالا حل مسئله و تهدید برای هر کشوری می‌تواند متضمن اقتدار ملی آن کشور در عرصه‌های مختلف علمی سیاسی اقتصادی اجتماعی و... باشد (ناجی، ۱۳۸۷).

تقویت و توسعه قدرت تفکر همواره یکی از اهداف اولیه آموزش رسمی و هدف اصلی آموزش و یادگیری در تمامی زمینه‌های علمی بوده و به سایر جنبه‌های وجودی انسان نیز کمک می‌کند (لوری، ۱۹۹۱).

تصور می‌شود که روش تفکر به صورت عملی با آموزش مواد آموزشی در برنامه درسی آموزش داده می‌شود. تصور می‌شود که از طریق انتقال دانش، آموزش و پرورش می‌تواند به این هدف دست یابد اما چنین تهدیدی برای انتقال دانش دیگر مورد قبول

نیست اکنون دانش و اطلاعات بعد از مدتی قدیمی می شوند همچنین مقدار اطلاعات موجود از طریق کامپیوتر و وسایل ارتباط جمعی از توانایی افراد در استفاده از اطلاعات پیشی گرفته است در این زمینه دیگر لازم نیست محافل آموزشی به منزله مخزن دانش، استادان به منزله سخنران و انتقال دهنده اطلاعات خدمت کنند ولی بسیار مهم و لازم است که شاگردان مهارت خود را در تفکر و استدلال افزایش دهند اطلاعات موجود را پردازش کنند آنها را به کار ببرند. بنابراین حتی اگر بپذیریم که فرد تربیت شده باید مطلع باشد باید تسویه کرد که چنین فردی باید دارای اهلت عقل و داوری نیز باشد ضمن آنکه داوری پیشین مبتنی بر آنچه صرف آموزش مواد درسی منجر به افزایش مهارت در بکارگیری تفکر می شود نیز محل تردید جدی است.

از این منظر با توجه به رفتار دانش آموزانی که از مراکز آموزشی مختلف فارغ التحصیل شده اند، نشان می دهد که انتقال دانش سنتی تاثیری در تحصیل افراد ندارد و اکثر افرادی که از چنین مراکزی فارغ التحصیل می شوند در زمینه سطح معلومات و محفوظات گام بر می دارند و فضایی برای ارتقای سطح دانش یا ذخایر خود داشتند، اما از نظر تربیتی برای بهبود رفتار و اعمال خود اقدامی نکردند (اسمیت و هولفیش، ۱۳۷۱). با وجود این، سخنرانی همچنان یک روش آموزشی برتر باقی مانده است، زیرا بسیاری از محافل آموزشی همچنان بر یادگیری اطلاعات و محتوا به جای بهبود توانایی های فکری جوانان تاکید دارند. این روش اغلب منجر به سبک آموزشی منفعل می شود. این روش فقط به صورت غیر مستقیم تدریس می شود. خوشبختانه، این سنت انفعال در حال تغییر است. نیاز به توسعه توانایی های فکری دانش آموزان هم در ادبیات تفکر انتقادی رو به رشد و هم در نوآوری های اخیر در مواد آموزشی مشهود است (مایرز، ۱۳۷۴) توجه به عملکرد فیلسوفان در گذشته نشان می دهد که آنها مهارت های خاصی را برای فراگیری فلسفه لازم می دانستند و تنها جایی که برای آن فکر می کردند، محیط های دانشگاهی با سطوح علمی و علمی بالا بود. آنچه امروزه مورد بحث کارشناسان فراگیر به ویژه در زمینه مفاهیم فلسفی و پرسش های اساسی است، این است که همه انسان ها



دارای ویژگی های فطری تفکر هستند و بنابراین مهارت های تفکر در انسان باید توسعه یابد اما مسئله این است که بر اساس دیدگاهی که علاقه‌مندان رو به افزایش ای دارد این پرورش میتواند در سنین بچگی و حتی خردسالی صورت گیرد.

به هر حال از آنجایی که اهمیت تفکر در فعالیت های روزمره بر هیچ کس پوشیده نیست لازم است دانش آموزانی پرورش دهیم که از سویی بتوانند در کودکی مشکلات خود را به نحو بهتری حل کنند و سوی دیگر در آینده شاهد بزرگسالان متفکری باشیم که بتوانند در اجتماع نقش موثرتر ایفا کنند. مهم این است که فیلسوفان متعدد مبتنی بر دیدگاه های معرفت شناسی متفاوتی که دارند به مسئله آموزش فلسفه به کودکان می نگرند لذا دیدگاه دو نظریه پرداز بزرگ یعنی متیو لیپمن و ابن سینا را به شکلی تطبیقی مورد مطالعه قرار میدهیم.

زندگی در دنیای مدرن ایجاب می کند که آموزش و پرورش همگام با این تغییرات و تحولات دگرگون شود و خود و مصرف کنندگان را برای این تغییرات و تحولات آماده نماید. باید آموزش و پرورشی که بر اساس حفظیات و به صورت مقطعی بود به آموزش و پرورش مهارت ها به صورت مادام العمر تبدیل شود و یادگیرندگان را به یادگیری دائمی عادت دهد و آنها را برای رویارویی با انواع مسائل و مشکلات در مکان ها و دوره های مختلف زندگیشان آماده نماید(ناجی، ۱۳۶۳).

تقویت قدرت تفکر یکی از مهم ترین اهداف آموزش رسمی و هدف اصلی آموزش و یادگیری در همه زمینه های علمی است، اما نظام آموزشی ما با فقر فکری مواجه است. عدم تعامل ریشه بسیاری از مشکلاتی است که جامعه ما با آن دست و پنجه نرم می کند، آنچه جامعه ما به آن نیاز دارد عقلانیت است، اگر جامعه عقلانی می خواهیم باید کودکانی عقلانی تربیت کنیم تفکر عقلانی و انتقادی را از همان آغاز وارد عادت های ذهنی آنان نماییم روحیه کنجکاوی و پرسشگری آنها را بیروانیم و جهت بدهیم. اگر دانش آموزان ما متفکر و محقق شوند در آینده ای نه چندان دور شهروندانی دانا خواهیم داشت آنچه که فلسفه برای کودکان نامیده می شود تلاشی برای گسترش فلسفه است تا

بتوان از آن به عنوان نوعی آموزش استفاده کرد. این فلسفه آموزشی است که با استفاده از فلسفه سعی می کند ذهن دانش آموزان را به نیازها و خواسته های معنادار پاسخ دهد. فلسفه کودکان را در معرض نوعی تعلیم و تربیت قرار می دهد که افق دید آنها را وسعت می بخشد. این برنامه به آنها یاد می دهد که چگونه فکر کنند. فلسفه برای کودکان پروژه ای است که کودکان را در تمام بحث های کلاس در مورد موضوعات فلسفی درگیر می کند. هدف آموزش فلسفه به کودکان، رشد تفکر کودکان از طریق طرح پرسش های بزرگ و توانمند ساختن آنها برای کشف این پرسش ها است (خسرو نژاد، ۱۳۸۶).

بحث از تعلیم و تربیت و شخصیت انسان یکی از محورهای اصلی همه مکاتب و شاخه های علوم انسانی است. با توجه به مبنای انسانی در هر جامعه و فرهنگی، دیدگاه های متفاوتی از سوی اندیشمندان و صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت ارائه شده است. زندگی انسان از گهواره تا گور مظهر تربیت است و با تربیت صحیح و هدفمند می تواند به قله های رفیع سعادت برسد. فرزند انسان اگرچه انسان به دنیا می آید، اما تنها با تربیت صحیح می توان آن را هدایت کرد وگرنه استعدادهایش هدر می رود، و تا سطح حیوانی یا حتی پایین تر تنزل پیدا می کند. تربیت، مفهوم جاودانه ای است با وسعتی به اندازه ی تمامی ابعاد و ساحات حیات انسان ؛ نه محدود در زمان و نه در قلمرو مکان. آنقدر وسیع و گسترده است که سایه اش در تمام نسل های بعدی ادامه دارد و او را به سوی هدفش یعنی وصال به خوبی ها رهنمون می نماید. توجه به تربیت توجه به حیاتی ترین مقوله انسانی است چون همه ی سعادت ها و شقاوت ها به نوع تربیت باز میگردد. به همین دلیل روی آوردن به تربیت صحیح تنها راه پیشرفت انسان به سوی کمال مطلق است (دلشاد تهرانی، ۱۳۶۵). فرآیند آموزشی یکی از واقعیت های پیچیده، گسترده و تأثیرگذاری است که از دیرباز در تمامی جوامع بشری و از دیدگاه های گوناگون به آن پرداخته شده است. در مورد چرایی، چیستی و چگونگی این فرآیند دیدگاه های بسیاری مطرح شده است (سجادی، ۱۳۷۷).